

باید ها و نباید های شک

حسین حق پناه

قصد داریم در این صفحه بدون تعارف با جوانان درباره مسئله ها و دغدغه هایشان بحث کنیم، حرف بزنیم و حرف بشنویم. با ما همراه باشید.

میان نسل ما و نسل گذشته فاصله افتاده؟ شکاف ایجاد شده؟

● حسین حق پناه: اختلاف ها و تفاوت های نسلی همیشه وجود داشته اند، اما انقطاع و شکاف نسلی وجود ندارد. در این خصوص پژوهش های متفاوتی در دانشکده های علوم اجتماعی و حتی علوم تربیتی در ایران انجام شده اند که نشان می دهند، تفاوت های نسلی همیشه وجود داشته اند. به این معنا که نسل ها به سبب اینکه در مواجهه با رخداد های تاریخی، از شرایط اجتماعی و ابزار های فناورانه متفاوتی در مسیر اجتماعی شدن برخوردارند، نوع متفاوتی از سبک زندگی را دارند. تا اینجا تفاوت ها و اختلاف های نسلی طبیعی است و لازمه هر جامعه پویاست. این پویایی گاهی شورش به نظر می رسد؟! این درست نیست که گفته شود نسل جدید نسلی شورش علیه نسل گذشته خود است. انقطاع یا شکاف نسلی به این معنا که با نسل هایی مواجه باشیم که در لایه های عمیق فرهنگی در حوزه ایدئولوژی، آرمان ها و ارزش ها با هم متفاوت باشند و نتوانند مفاهیم داشته باشند، وجود ندارد.

در حال حاضر ما با یک شکاف درون نسلی مواجه هستیم نه شکاف بین نسلی. نسل ها با هم در تعامل اند و گروه های مختلفی که در نسل های قبلی وجود داشته اند، می کوشند سهم بیشتری از نسل بعدی تربیت کنند. همچنین، در نسل های قبلی نوعی یکدستی داشتیم. بنابراین گونه های ضد فرهنگ و خرده فرهنگ خاص به چشم نمی آمدند، اما همین ضد فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها تلاش کردند مدل متنوع تر و سهم بیشتری از نسل بعدی را تربیت کنند.

ما خیلی با هم متفاوتیم!

● در میان دهه هشتادی ها مدل های متفاوتی وجود دارند. برای نمونه نوجوانی داریم که در «سلام فرمانده» حضور دارد و پای کار انقلاب اسلامی و نظام و بسیج است. در حالی که بغل دستی او در مدرسه ممکن است به هیچ کدام از این ها اعتقاد نداشته باشد و سبک زندگی و ارزش های کاملاً متضادی با هم کلاسی خود داشته باشد. دلیل این شکاف درون نسلی نیز تکثر منابع هویت بخش و فرایندهای اجتماعی شدن نسل جدید است.

در گذشته ما نظام آموزشی واحد، یکپارچه و قدرتمندی داشتیم و رسانه فقط به رسانه ملی و سخنگاه های (تربیتون های) واحد و یکدست و فضای خانوادگی، قومیتی و محلی محدود بود. اما حالا شاهدیم که همه این ها تضعیف شده اند و در سوی دیگر، رسانه های جهانی، بسترها (پلتفرم ها) و شبکه های اجتماعی تقویت شده اند. همچنین ما در سال های اخیر با نوعی درهم آمیختگی ارزشی و سبک زندگی، از معماری شهری تا رسانه ها و ... روبه رو بوده ایم. نتیجه اش این شده که آن تکثرها و تغییرات فناورانه به این شکاف درون نسلی انجامیده است.



دنیای دیجیتال، وطن دهه هشتادی‌ها

● توجه داشته باشیم، مهم‌ترین ویژگی مشترک همه دهه هشتادی‌ها-چه آن‌هایی که ممکن است از نظر سیاسی زاویه‌ای داشته باشند یا در ناآرامی‌ها حضور داشته باشند و چه آن‌هایی که دل‌بسته آرمان‌های

ساف درون نسلی

سیاسی یا ایدئولوژیک نظام هستند - این است که به عنوان نسل بومی دیجیتال شناخته می‌شوند. به این معنا که دهه هشتادی‌اروزی که به دنیا آمده با ابزارهای دیجیتال سروکار داشته و بزرگ شده است. او برخلاف نسل قبلی خود که در سن جوانی و جوانی یا بزرگ سالی به دنیای دیجیتال گام نهاده، وطنش و بخشی از هویتش فضای مجازی و رسانه‌های نوین است.

نسلی با دسترسی‌های بی‌سابقه در تاریخ

● ویژگی مهمی که بستر مجازی به نوجوانان داده، نوعی دسترسی نامحدود و بی‌نظیر تاریخی است که مشابه آن را نمی‌توانیم در جایی از تاریخ سراغ داشته باشیم. این دسترسی‌ها فقط اتصال به اطلاعات و اخبار نیست، بلکه انواع و اقسام دسترسی‌هاست؛ از حوزه سرگرمی و کسب و کار گرفته تا دسترسی‌هایی که به آن‌ها امکان هویت بخشی می‌دهند. آن‌ها می‌توانند ورای مرزهای جغرافیایی، تاریخی، قومی، ملی و زبانی منابع هویت بخشی را پیدا و خودشان را با آن‌ها تعریف کنند؛ این ویژگی مشترک همه این نسل است. (به صفحه‌های ۲۴ و ۲۵ رجوع کن تا راهنمای معمای صفحه ۴۸ را دریافت کن).

تفاوت حضور و بروز

● بروز جوان با حضور او فرق می‌کند. به تعبیر دیگر، جوان‌های زیادی در کشور حضور دارند، اما همه آن‌ها به یک میزان امکان ظهور و بروز ندارند. در همه این سال‌ها بیشترین ظهور و بروز با جوان‌هایی بوده است که قابلیت ظهور و بروزشان را عرصه‌های رسمی، مانند انجمن‌های اسلامی، دانش‌آموزی و بسیجی تعیین می‌کردند و حتی قاب رسانه ملی امکان حضور همه جوانان را نداشت. اما با توسعه رسانه‌های جدید و به ویژه شبکه‌های اجتماعی، شاهد ظهور و بروز طیف‌هایی از جوان ایرانی بوده‌ایم که پیش از این امکان ظهور نداشتند.

ما این چیزی که دیگران فکر می‌کنند نیستیم ...

● آن تصویری که از نوجوان ایرانی در شبکه‌ها و رسانه‌های داخلی می‌بینیم، تصویر کاملی نیست و جهت‌گیرانه است. درسوی دیگر، بازنمایی‌هایی که رسانه‌های جدید در شبکه‌های اجتماعی از نوجوان ارائه می‌دهند، فقط مصرف‌گرا، هوادار چهره‌ها (سلبریتی باز)، فردگرا و شورشی است. یعنی این هم تصویر کاملی نیست و جهت‌گیرانه است. برخی از خرده فرهنگ‌های نوجوانان نیز که مورد قبول جامعه نیستند و حتی ضد فرهنگ محسوب می‌شوند، تصویر کاملی از نوجوان ایرانی ارائه نمی‌دهند. آن‌ها هم به طور کلی یک بازنمایی نمایشی، نه بازنمایی واقعی، از حوزه نوجوان دارند؛ نمایشی که مشخصاً جهت‌گیرانه است.



از زبان حسین حق پناه
بشنوید

